

تأثیر گردشگری، مصرف انرژی و بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی کشورهای دی هشت

The Impacts of Tourism, Energy Consumption and Political Instability on Economic Growth in the D-8 Countries

Hassan Heidari*, Asal Sadeghpour**

حسن حیدری*، عسل صادقیپور**

Received: 15/Nov/2014 Accepted: 26/Jan/2015

دریافت: ۱۳۹۳/۸/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۶

Abstract:

This study uses data from the eight largest Islamic countries known as D-8 for the period 2000 to 2013 concerns to assess the effect of tourism, energy consumption and political instability on economic growth. To address the objective of this study, we utilize both the static panel data approach as well as the dynamic generalized method of moments (GMM) estimator to examine the impact of candidate variables. Our results show that energy consumption and tourism significantly contribute to the economic growth of countries in the D-8 region. Hence, our study lends some support to the existence of the tourism-led growth and energy-led growth hypotheses in the region. In line with our expectation, our estimation results also reveal that political instability impedes the process of economic growth and development in the D-8 countries. There fore, it should be take serious action in these countries to overcome political instability and attract international tourists to boost economic growth. Since energy consumption has the greatest impact on economic growth in member countries, policies that reduce energy consumption without planning to support the growth of the manufacturing sector in these countries, will have disturbing impact on economic growth.

Keywords: Energy Consumption, D-8, Tourism, Political Instability.

JEL: C01, C12, C13.

چکیده:

این مطالعه با استفاده از داده‌های هشت کشور بزرگ اسلامی معروف به گروه دی هشت برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۳ به بررسی تأثیر گردشگری، مصرف انرژی و بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی می‌پردازد. برای به دست آوردن نتیجه مستندتر با استفاده از هر دو روش تخمین مدل دیفرانسیلی و سیستمی تابلویی GMM به بررسی تأثیر متغیرهای مورد نظر پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که؛ مصرف انرژی و گردشگری به طور قابل ملاحظه‌ای بر رشد اقتصادی کشورهای دی هشت مؤثر بوده و بیانگر این نکته است که اگر برخی حمایت‌ها از صنعت گردشگری توسط کشورهای مورد مطالعه انجام پذیرد، صنعت توریسم می‌تواند رشد اقتصادی در این منطقه را تحریک نماید. در راستای انتظارات ما نتایج برآورد مدل نیز نشان می‌دهد بی‌ثباتی سیاسی مانع روند رشد اقتصادی در کشورهای دی هشت است، بنابراین باید در این کشورها به منظور غلبه بر بی‌ثباتی سیاسی و جذب گردشگران بین‌المللی جهت تقویت رشد اقتصادی اقدام جدی صورت گیرد. اما مصرف انرژی بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی در مجموعه کشورهای عضو دارد که سیاست‌های کاهش رشد مصرف انرژی بدون برنامه‌ریزی لازم جهت حمایت از بخش تولید در این کشورها، اثرات نگران کننده‌ای بر رشد اقتصادی خواهد داشت.

کلمات کلیدی: مصرف انرژی، دی هشت، گردشگری، بی‌ثباتی سیاسی.

طبقه‌بندی JEL: C01، C12، C13.

* عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه
(نویسنده مسئول)

Email: h.heidari@urmia.ac.ir

** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه ارومیه

Email: asall.sadeghpour@gmail.com

* Faculty Member of Economics, Urmia University, Urmia, Iran (Corresponding Author).

** Ph.D. Candidate, Urmia University, Urmia University, Urmia, Iran.



۱- مقدمه

از نظر تئوری گردشگری و مصرف انرژی نقش مهمی در اثربخشی بر رشد اقتصادی بازی می‌کنند. معمولاً در مقایسه بین کشورها، بالا بودن مصرف سرانه انرژی، نشانه توسعه یافته بودن یک کشور بوده و البته مصرف بالاتر، عموماً با تولید ملی بیشتری نیز همراه می‌باشد. به عبارت دیگر از یک طرف متوسط سرانه مصرف انرژی کشورهای صنعتی بسیار بیشتر از مقدار مشابه در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته است و از طرف دیگر این مصرف زیاد انرژی تبدیل به ارزش افزوده بیشتری در این کشورها می‌شود. همچنین تجربه کشورهای پیشرفته نشان داده است که می‌توان با افزایش کارایی فناوری‌های تولید و مصرف انرژی و سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری، ضمن ثابت نگه داشتن و حتی کاهش مصرف، به توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی بالاتری دست یافت (آماده و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۲).

گردشگری یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین بخش‌های مؤثر بر رشد بخش خدمات در جهان است؛ که این مسئله می‌تواند به رشد اقتصادی و رشد فرصت‌های شغلی یک کشور کمک قابل ملاحظه‌ای کند و این عامل با افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های جدید برای جذب توریست و افزایش درآمد مالیاتی یک کشور محقق می‌شود و مبین به‌دست آمدن ارز خارجی فراوان است. استرن^۱ در مطالعه خود بیان می‌کند که انرژی از طریق افزایش فعالیت‌های تولیدی به رشد اقتصادی کمک می‌کند. با این حال ادبیات تجربی موجود در جهان نشان می‌دهد تأثیر گردشگری و انرژی بر رشد اقتصادی مانند پازل ناقصی مانده است که نیاز به تکمیل شدن با دیگر عوامل و متغیرها دارد. برخی از مطالعات تجربی نشان می‌دهد که گردشگری و مصرف انرژی موجب افزایش رشد اقتصادی می‌شود (تانگ^۲، ۲۰۰۹: ۳۸۰؛ تانگ و تن^۳، ۲۰۱۲: ۳۲؛ آپرگیس و تانگ^۴، ۲۰۱۳: ۲۸). در حالی که بعضی مطالعات تجربی دیگر بیان می‌کنند که بر اساس بهبود گردشگری و مصرف

انرژی، نمی‌توان رشد اقتصادی را استدلال کرد (شهباز و فریدون^۵، ۲۰۱۲: ۱۵۸۷). علاوه بر این در اکثر مطالعات نقش عوامل نهادی مانند بی‌ثباتی سیاسی در رشد اقتصادی نادیده گرفته می‌شود (آسین و ویقا^۶، ۲۰۱۳: ۲۱۴). بی‌ثباتی سیاسی و تغییرات مکرر در سیاست یک کشور می‌تواند برای عملکرد اقتصادی کشور مضر باشد (ناگنت^۷، ۲۰۰۲: ۱۶۳). اما در مطالعات اخیر که توسط اینگرام^۸ در سال ۲۰۱۳ انجام گرفت، نشان می‌دهد که بی‌ثباتی سیاسی به احتمال زیاد صلح و امنیت کشور را به خطر می‌اندازد و از این لحاظ دارای تأثیر منفی بر گردشگری است که این نتایج در کشورهای فیجی و کنیا به صورت تجربی مشاهده شده است (فلچر و مارکوئیس^۹، ۲۰۱۱: ۵۱۴). بنابراین بی‌ثباتی سیاسی یکی دیگر از عوامل مهم در تعیین رشد اقتصادی است که در کمتر مطالعه داخلی به تأثیر آن بر رشد اقتصادی پرداخته شده است.

هدف این مطالعه بررسی تأثیر گردشگری، مصرف انرژی و بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی در هشت کشور عضو گروه دی هشت با روش داده‌های تابلویی و در چارچوب مقاله فیلدینگ (۲۰۰۰) است. همچنین هدف دیگر این مطالعه مقایسه تأثیر گردشگری، مصرف انرژی، سرمایه فیزیکی و بی‌ثباتی سیاسی در روند رشد اقتصادی این کشورها است. بنابراین، این مطالعه اطلاعات مفید و قابل اعتمادی به سیاست‌گذاران برای تسریع رشد اقتصادی بلندمدت در این گروه از کشورها ارائه می‌دهد. این کشورها که تمامی آنها به جز مالزی دارای جمعیتی معادل ۷۰ میلیون نفر است، دارای منابع طبیعی بسیار غنی می‌باشند، با این وجود به دلیل عواملی چون وقوع جنگ، بحران‌های مالی و اقتصادی و فقر به اندازه کافی توسعه نیافته‌اند. اطلاعات بانک جهانی نیز نشان می‌دهد جمعیت ۹۵۰ میلیون نفری، ۴۰۰ میلیون نیروی کار فعال و زمینه‌های گوناگون سرمایه‌گذاری، فرصت مطلوبی برای توسعه همکاری‌های مؤثر و جدی میان کشورهای عضو فراهم کرده است. از سوی دیگر، ۵۷ درصد از ذخایر نفت جهان و ۴۱

5. Shahbaz & Feridun (2012)

6. Aisen & Veiga (2013)

7. Nugent (2002)

8. Ingram et al. (2013)

9. Fletcher & Marques (2011)

1. Estern (2011)

2. Tang (2009)

3. Tang & Tan (2012)

4. Apergis & Tang (2013)

بحث پیرامون نتیجه‌گیری و سیاست‌گذاری برای اعضای گروه می‌پردازد.

۲- بررسی ادبیات موضوع

در طول چند دهه اخیر این سؤال که آیا مصرف انرژی و بی‌ثباتی سیاسی میزان رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ باعث انجام پژوهش‌های زیادی بین اقتصاددانان و سیاست‌گذاران شده است. چنین علاقه‌ای ناشی از این است که می‌توان با سیاست‌گذاری صحیح، رشد اقتصادی و رفاه را به میزان زیادی در جامعه تحت تأثیر قرار داد. اما مطالعات تجربی در این زمینه نتایج متناقضی را در منابع مختلف گزارش کرده است. هیچ اجماع نظری در میان اقتصاددانان و سیاست‌گذاران در مورد ماهیت رابطه این متغیرها با رشد اقتصادی وجود ندارد. تکنیک‌های اقتصادسنجی مختلفی برای بررسی این موضوع استفاده شده است که در ادامه مختصری از مطالعات که به بررسی رابطه گردشگری، مصرف انرژی و بی‌ثباتی سیاسی با رشد اقتصادی پرداخته است اشاره می‌گردد.

۲-۱- گردشگری

مطالعه تأثیر نقش گردشگری بر رشد در کشورهای مختلف با روش‌های گوناگون مدت طولانی است که صورت گرفته و با این وجود هنوز مشخص نیست که آیا رشد گردشگری می‌تواند به طور مؤثر بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد یا نه؟ سازمان ملل متحد در تعریف خود از گردشگر به عنوان یک ملاقات کننده موقتی از یک کشور یا منطقه، با هدف تفریح یا تجارت یاد می‌کند (زارعی نمین، ۱۳۸۸: ۴۳). در فرهنگ لاتین، توریسم به معنای سیاحت در داخل یا کشورهای خارجی می‌باشد در حالی که در ادبیات فارسی جهانگردی به معنای گشتن و سیر آفاق معنی می‌دهد و لذا سفرهای داخلی را شامل نمی‌شود (ضیائی و میرزایی، ۱۳۸۶: ۲۰۲). به هر حال، گردشگری به عنوان مجموعه فعالیت‌هایی تعریف می‌شود که مردم به خاطر تفریح، استراحت و نظایر آن، از محل زندگی خود به سایر مکان‌ها مسافرت می‌کنند (داس ویل، ۱۳۸۴: ۱۹). همزمان با پیشرفت انسان در حوزه ارتباطات، گردشگری به

درصد از منابع گاز طبیعی در این کشورها قرار دارد (اداره اطلاعات و آمار انرژی آمریکا، ۲۰۱۳). از لحاظ گردشگری نیز خاورمیانه به عنوان بهشت گردشگری نام برده شده است و علت این نام گذاری به دلیل تاریخ تمدن باستانی و میراث فرهنگی منحصر به فرد این منطقه و بعضی مکان‌های مذهبی در این منطقه است (بل و دیگران^۱، ۲۰۱۲: ۲). همچنین می‌توان به این امر اشاره کرد که در خاورمیانه ۳/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی توسط بخش گردشگری به دست می‌آید و ۴/۸ درصد از کل اشتغال در صنعت گردشگری است. بر طبق مطالعات ال مولالی^۲ می‌توان ادعا کرد که منطقه خاورمیانه تحت تأثیر نوسانات قیمت نفت و بی‌ثباتی سیاسی فراوان قرار دارد. در سال ۲۰۱۱ در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به دلیل انقلاب‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی در اکثر کشورهای عربی تعداد گردشگران دچار کاهش چشم‌گیری شد؛ به طور خاص ورود گردشگران بین‌المللی به خاورمیانه ۹/۲ درصد کاهش یافت؛ طبق تقسیم‌بندی بانک جهانی در گزارش‌های توسعه جهانی، می‌توان کشورهای مورد بررسی را بر اساس شاخص‌های عمده اقتصادی‌شان در سه گروه جای داد:

- کشورهای صادرکننده نفت که شامل سه کشور اندونزی، ایران و نیجریه می‌شود.
 - کشورهای با درآمد متوسط که چهار کشور پاکستان، ترکیه، مالزی و مصر را شامل می‌شود.
 - کشورهای کمتر توسعه یافته که در میان این ۸ کشور تنها کشور بنگلادش در این گروه قرار می‌گیرد.
- بنابراین می‌توان به اهمیت تجزیه و تحلیل نقش گردشگری و مصرف انرژی و بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی در کشورهای دی هشت پی برد.

در ادامه مقاله به این شرح سازمان دهی شده است که بخش بعدی به بررسی موضوع و تأثیر متغیرها بر رشد می‌پردازد. قسمت ۳ به بررسی مدل و داده‌ها اختصاص داشته و در بخش ۴ به روش‌شناسی تحقیق می‌پردازد. بخش ۵ به برآورد مدل اقتصادسنجی پرداخته است. سپس بخش ۶ به

1. U.S. Energy Information Administration (2013)
2. Bell et al. (2012)
3. Al-Mulali (2011)



به طور مثال مدست^{۱۱} ارزش تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی را ۰/۲۵ درصد در کشورهای حوزه دریای کارائیب برآورد می‌کند. همچنین گووالی و بهار^{۱۲} در مطالعه خود برای کشورهای حوزه مدیترانه تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی را مطالعه کرده و نشان می‌دهند که با افزایش ۱ درصد در گردشگری، رشد اقتصادی ۰/۱ درصد افزایش می‌یابد. در همین راستا کاپلان و چلیک^{۱۳} برای ترکیه به این نتیجه رسیدند رسیدند که با افزایش ۱ درصد در گردشگری، رشد اقتصادی ۰/۳ درصد افزایش می‌یابد.

در ایران نیز مطالعات متعددی برای بررسی رابطه گردشگری و رشد صورت پذیرفته است که در اینجا به مرتبط‌ترین‌ها آنها اشاره مختصری می‌گردد.

رنج‌پور و دیگران در تحقیق خود به بررسی رابطه بین گردشگری و رشد در ایران طی دوره ۱۳۸۸-۱۳۴۷ به کمک روش انباشتگی یوهانسن- یوسیلیوس پرداخته و به این نتیجه رسیدند که رابطه بلندمدت میان درآمدهای حاصل از توریسم و تولید ناخالص داخلی بدون نفت وجود دارد (رنج‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

حسن‌شاهی و همکاران در بررسی خود تحت عنوان رابطه علیت گرنجری بین مصرف انرژی، گردشگری و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو کنفرانس اسلامی به این نتیجه رسیدند که یک رابطه علیت گرنجری یک طرفه از مصرف انرژی و گردشگری به رشد اقتصادی وجود دارد (حسن‌شاهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱).

اربابیان و همکاران در بررسی رابطه گردشگری بین‌الملل و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی با استفاده از داده‌های تابلویی همزمان به این نتیجه رسیدند که توریسم بین‌الملل، سرمایه فیزیکی و درجه باز بودن اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد (اربابیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

بابایی‌سمیری و همکاران به بررسی ارتباط صنعت توریسم و توسعه اقتصادی در ایران با رویکرد شبکه عصبی پرداخته‌اند

عنوان یک صنعت بین‌المللی که از جنبه‌های متفاوتی می‌توان به آن نگاه کرد، وارد معادلات بشری گردید. به گونه‌ای که امروزه تکیه بسیاری از اقتصادها برای دستیابی به رشد اقتصادی بر صنعت گردشگری گذاشته شده است. از طرف دیگر، رشد اقتصادی بر رشد این صنعت نیز تأثیرگذار است. به عبارت دیگر تأثیرگذاری دو عامل رشد اقتصادی و رشد گردشگری بر یکدیگر، تأثیری دوجانبه به نظر می‌رسد. از این‌رو بررسی کارهای صورت گرفته در این زمینه و مرور نتایج آنها خالی از لطف نیست. به‌کارگیری آزمون علیت گرنجری توسط بالاگورا و کانتاولا^۱ برای اسپانیا، گوندوز و حاتمی^۲ برای ترکیه، بللومی^۳ برای تونس، اکینبود و برایمهو^۴ برای آفریقای جنوبی، برید^۵ برای اروگوئه، کاتیرچی اوغلو^۶ برای سنگاپور، لین و تانگ^۷ برای مالزی، تانگ و آبوسدرا^۸ برای لبنان و تانگ^۹ برای مالزی مالزی بیانگر این موضوع است که بین گردشگری و رشد اقتصادی رابطه علیت گرنجری وجود دارد. برای مالزی نیز اخیراً تانگ و تان در مطالعه‌ای دیگر مشاهده کرده‌اند که نه تنها بین گردشگری و رشد اقتصادی رابطه علیت گرنجری وجود دارد، بلکه این ارتباط بسیار پایدار نیز هست.

از طرف دیگر مطالعاتی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد رشد اقتصادی از رشد گردشگری تأثیر نمی‌پذیرد (پایین و مروه^{۱۰}، ۲۰۱۰: ۱۰۹۰)؛ اما حداقل وجود یک رابطه علیت بین گردشگری و رشد اقتصادی در اکثر مطالعات تأیید شده است. کاتیرچی اوغلو نشان داد که گردشگری و رشد اقتصادی در همه دوره‌ها با هم مربوط نیستند و تنها در بلندمدت به احتمال زیاد رابطه علیت بین آنها وجود دارد. جدای از اینها، برخی مطالعات به تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی تأکید دارند. بسیاری از این مطالعات به این نتیجه رسیدند که گردشگری تأثیر مثبت ولی با ارزش زیر ۱ درصد بر رشد اقتصادی دارد.

1. Balaguer & Cantavella (2002)
2. Gunduz & Hatemi (2005)
3. Belloumi (2010)
4. Akinboade & Braimoh (2010)
5. Brid et al. (2010)
6. Katircioğlu (2009)
7. Lean & Tang (2010)
8. Tang & Abosedra (2012)
9. Tang (2013)
10. Payne & Mervar (2010)

11. Modeste (1995)

12. Gökövali & Bahar (2006)

13. Kaplan & Çelik (2008)

که این فرضیه برای حمایت از محیط زیست است (هانگ و همکاران^۴، ۲۰۰۸: ۴۳).

فرضیه سوم به نظریه بازخورد اشاره دارد که بیانگر وجود رابطه وابسته میان مصرف انرژی و رشد اقتصادی است و بیان می‌دارد که رابطه علّیت دو طرفه بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی وجود دارد (تانگ و تان، ۲۰۱۳: ۳۰۱؛ اس بیا و همکاران^۵، ۲۰۱۴: ۱۹۳). در نظریه بازخورد تأکید سیاست‌گذاران به پیاده سازی یک استراتژی دوگانه برای تحریک رشد اقتصادی و جلوگیری از هدر رفت انرژی است. از طرف دیگر سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های انرژی باید افزایش یابد تا اطمینان حاصل شود که عرضه انرژی برای توسعه اقتصادی کافی است. از سوی دیگر باید بهره‌وری مصرف انرژی از طریق فن‌آوری‌های جدید بهبود یابد و زباله‌های غیرضروری انرژی کاهش یابد.

در نهایت فرضیه چهارم نظریه بی‌طرفی است که اشاره به این دارد که مصرف انرژی و رشد اقتصادی نامربوط به هم هستند. بنابراین تغییر در مصرف انرژی بر رشد اقتصادی اثر نمی‌کند و بالعکس. در این مورد، سیاست حفاظتی کاهش مصرف انرژی اعمال می‌شود (سویتاش و ساری^۶، ۲۰۰۹: ۱۶۷۰).

مهرآرا و زارعی نیز در ایران به بررسی اثرات غیرخطی مصرف انرژی بر رشد اقتصادی مبتنی بر رویکرد حد آستانه‌ای به این نتیجه رسیدند که مدل‌های غیرخطی مبتنی بر آماره‌های تشخیصی و معنی‌دار بودن ضرایب، نتایج رضایت بخش‌تری را نسبت به مدل‌های خطی در تبیین رابطه مصرف انرژی و رشد اقتصادی ارائه می‌دهند (مهرآرا و زارعی، ۱۳۹۰: ۱۱).

حیدری و همکاران به بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت بین مصرف برق و رشد اقتصادی در چارچوب مدل طرف عرضه با استفاده از آزمون کرانه‌ها پرداخته و به این نتیجه رسیدند که یک رابطه بلندمدت یک طرفه از رشد اقتصادی به مصرف برق ضریب منفی وجود دارد و نتایج کوتاه‌مدت نیز بر وجود رابطه دوطرفه و مثبت بین مصرف برق و رشد اقتصادی

و به این نتیجه رسیدند که به ترتیب نرخ ارز، تعداد گردشگران وارد شده به ایران و جنگ دارای بیشترین تأثیر بر توسعه اقتصادی ایران می‌باشند (بابایی سمیرمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

۲-۲- مصرف انرژی

تا اواخر دهه ۱۹۷۰، در تابع تولید محصول ملی، انرژی به عنوان عامل تولید در نظر گرفته نمی‌شد. همزمان شدن شوک‌های نفتی سال ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ با رکود اقتصادی در غرب، فصل جدیدی را در اهمیت انرژی به عنوان یکی از عوامل رشد اقتصادی گشود و در تحلیل تئوری‌های جدید رشد، علاوه بر دو نهاد نیروی کار و سرمایه، نهاد انرژی نیز به مدل‌های رشد اضافه شده است (مهرآرا و زارعی، ۱۳۹۰: ۲۵)، اما با این وجود اقتصاددانان در ارتباط با نقش و اهمیت حضور این نهاد در فرآیند تولید اتفاق نظر ندارند. این اختلاف دیدگاه‌ها به طور کلی در قالب دو نظریه کلی نئوکلاسیکی و بوم‌شناختی که دلالت‌های سیاستی متفاوتی را نیز به همراه دارند، تجلی می‌یابند (آپرگیس و تانگ، ۲۰۱۳: ۲۸).

به‌طور کلی، بررسی رابطه بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی در چهار فرضیه مقدور است:

فرضیه اول، به فرضیه‌ای اشاره دارد که مصرف انرژی نقش بسیار مهمی در تحریک رشد اقتصادی دارد. در این مورد رابطه علّیت از مصرف انرژی به رشد اقتصادی وجود دارد. با توجه به این فرضیه سیاست‌های کاهش انرژی روند رشد اقتصادی را به تأخیر می‌اندازد (نارایان و اسمیت^۱، ۲۰۰۸: ۲۳۳۸؛ شهباز و تانگ^۲، ۲۰۱۱: ۳۵۳۱).

فرضیه دوم، فرضیه‌ای است که بیان می‌دارد رابطه علّیت از رشد اقتصادی به مصرف انرژی وجود دارد. این فرضیه که به فرضیه حفاظت معروف است ادعا می‌کند انرژی منبع اصلی رشد اقتصادی نبوده و تأثیر کم و یا هیچ تأثیری بر رشد اقتصادی ندارد (شهباز و لیتو^۳، ۲۰۱۳: ۵). به بیان دیگر کاهش مصرف انرژی مقدار آلودگی محیط زیست را کاهش می‌دهد

4. Huang et al. (2008)
5. Sbia et al. (2014)
6. Soytaş & Sari (2009)

1. Narayan & Smyth (2008)
2. Tang & Shahbaz (2011)
3. Shahbaz & Leitão (2013)



کشور (دولت) با عنوان بی‌ثباتی سیاسی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌تواند منجر به بی‌ثباتی اقتصادی شده و حرکت طبیعی اقتصاد را دچار اختلال نماید که در نتیجه رشد اقتصادی کشور را که به عنوان مهم‌ترین شاخص عملکرد اقتصادی شناخته می‌شود، کندتر می‌نماید (اصغرپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۸). به عنوان نخستین مورد، بی‌ثباتی منجر به متزلزل شدن حقوق مالکیت فردی می‌شود که مانعی برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و معاملات اقتصادی می‌باشد. دیگر اینکه عدم وجود یک سیستم سیاسی باثبات پیش‌بینی‌ناپذیر و عملکرد دولت‌های آینده و تغییرات سازمانی^۱ را غیرممکن می‌سازد. این عامل باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاران محیط‌هایی را که قابلیت پیش‌بینی دارند، ترجیح دهند. سوم اینکه بی‌ثباتی احتمال شرکت افراد فرصت‌طلب در فعالیت‌های واسطه‌گری را افزایش می‌دهد که منابع را به سوی فعالیت‌های غیرمولد سوق می‌دهد (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷)؛ و در آخر اینکه ادبیات اقتصادی مربوط به تأثیر بی‌ثباتی بر رشد اقتصادی بسیار زیاد است و در شمار قابل توجهی از این مطالعات بیان شده است که بی‌ثباتی سیاسی باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. بی‌ثباتی سیاسی تأثیر مخربی بر متغیرهای کلیدی اقتصاد کلان نظیر سرمایه‌گذاری، بیکاری و تورم دارد (جعفری صمیمی و خیره، ۱۳۹۲: ۱۴).

در مطالعه‌ای که آیسین و ویگا^۲ انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که نوسانات و تورم بالا مرتبط با درجه بی‌ثباتی سیاسی است و تکه تکه شدن نظام سیاسی و آزادی اقتصادی پایین، از بی‌ثباتی سیاسی ناشی می‌شود. آنها همچنین استدلال کردند که سیاست‌های اقتصادی در کشورهای با بی‌ثباتی سیاسی، تمایل به قطع ارتباط با کشورهای دارای ثبات سیاسی است. این گسست از کشورهای دیگر باعث می‌شود نرخ تورم بی‌ثبات‌تر گردد. با توجه به این موارد، انجام اموری مانند: بهبود نهادها و ایجاد ساز و کارهای عملی مطلوب برای ثبات قیمت در جهت نیل به رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی و جلوگیری از نوسانات سیاسی در هر کشوری ضروری می‌نماید. السینا و دراذان^۳

دلالت می‌کند (حیدری و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۹).

فاضلی و ویسری و همکاران به تحلیل رابطه بین رشد اقتصادی و مصرف برق در ایران با به‌کارگیری روش علیت پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به اثرات عمده وقایعی نظیر انقلاب، جنگ تحمیلی، تحریم‌های اقتصادی، شوک‌های نفتی و ... بر اقتصاد کشور طی برخی دوره‌های زمانی، ممکن است تولید داخلی به صورت مقطعی کاهش پیدا کرده باشد ولی مصرف انرژی الکتریکی در کشور، نرخ تقریباً مشخص افزایشی خود را داشته است. اما در بلندمدت می‌توان رابطه مستقیمی بین رشد تولید و افزایش مصرف انرژی در نظر گرفت (فاضلی و ویسری و همکاران، ۱۳۹۲: ۴).

۲-۳- بی‌ثباتی سیاسی

از همان ابتدای مباحث توسعه اقتصادی، تقریباً تمام اقتصاددانان توسعه بر عدم کفایت متغیرهای اقتصادی در توضیح و تبیین پدیده توسعه اتفاق نظر داشتند. در توضیح چگونگی دستیابی به توسعه اقتصادی صرفاً نمی‌توان به متغیرهایی از قبیل نیروی کار، سرمایه، نرخ رشد جمعیت و نرخ پس‌انداز اکتفا کرد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۷). بر این اساس، مدل‌های رشد کلاسیکی و نئوکلاسیکی که صرفاً بر انباشت سرمایه متمرکز بوده‌اند، نمی‌توانند واقعیت‌های اقتصادی جامعه را به درستی تشریح نمایند. بازسازی مدل‌های رشد و طرح مباحثی مانند سرمایه انسانی و اجتماعی خود می‌تواند نشانه‌هایی از واقعیت‌های فوق باشد. از این‌رو، بررسی اثر متغیرهای سیاسی بر رشد اقتصادی در دستور کار بسیاری از اقتصاددانان قرار گرفته است. معمولاً منظور از بی‌ثباتی سیاسی یک وضعیت متزلزل است که حکومت در خصوص نحوه اداره جامعه، حفظ حاکمیت خود یا تمامیت ارضی کشور با آن مواجه است (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۰). بنابراین، ساختار اقتصادی و سیاسی یک کشور رابطه تنگاتنگ و در عین حال پیچیده‌ای با یکدیگر دارند، به طوری که ساختار سیاسی کشور به عنوان سیستم هدایتگر مدیریت اقتصادی کشور عمل نموده و منعکس‌کننده تفکرات اقتصادی آن سیستم سیاسی می‌باشد. از این حیث هرگونه اختلال در نهاد مدیریتی یک

1. Institutional Change
2. Aisen & Veiga (2008)
3. Alesina & Drazen (1991)

تراز پرداختها حدود ۲ تا ۱۰ درصد نوسانات را توضیح می‌دهد. متغیر بی‌ثباتی سیاسی در سال‌های ابتدایی تقریباً ۴۰ درصد تغییرات را به خود اختصاص می‌دهد، اما به مرور این سهم کاهش یافته و به حدود ۲۶ درصد می‌رسد. در شکل تعدیل شده این متغیر به نظر می‌رسد که کلیات مدل با مدل اولیه تفاوت چندانی ندارد؛ اما اثر شوک بی‌ثباتی سیاسی بر شوک تولید همانند وضعیت مدل اول قابل توجه، مثبت و کاملاً معنی‌دار است (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷).

۳- مدل و داده

تولید ناخالص داخلی یکی از پرکاربردترین شاخص‌های اقتصاد کلان برای اندازه‌گیری بازدهی اقتصاد است، به طوری که، نرخ رشد این شاخص منعکس‌کننده افزایش یا کاهش ثروت در یک کشور می‌باشد. بخش وسیعی از ادبیات اقتصادی سعی کرده است مکانیزم‌هایی که رشد را توضیح می‌دهد، بیان کند (ویت و مارتین^۳، ۱۹۸۷: ۲۷).

اکثر مدل‌های رشدی که در مطالعات کشورهای در حال توسعه به کار می‌روند، در چارچوب الگوی رشد سولو^۴ (۱۹۵۶) قرار می‌گیرند. الگوی مزبور از یک تابع تولید آغاز می‌شود که به وسیله آن سطح محصول (تولید کل) به عوامل تولید مرتبط می‌گردد. این تابع را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$Y=Af(K, L, Z) \quad (1)$$

که در آن Y سطح محصول کل تولید شده (محصول بالقوه)، K ذخیره سرمایه فیزیکی، L نیروی کار، Z بردار عوامل مؤثر بر رشد و متغیر A عامل بهره‌وری را اندازه‌گیری می‌کند.

رابطه بین گردشگری، مصرف انرژی، بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی همان گونه که فیلدینگ^۵ معرفی می‌کند، می‌تواند به صورت زیر نشان داده شود:

$$Y_{it} = \delta_i + \mu_t + X_{it}\theta + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

که در آن Y_{it} ، لگاریتم طبیعی سرانه GDP واقعی در کشور i در سال t ؛ X_{it} بردار متغیرهای توضیحی (گردشگری، مصرف انرژی و بی‌ثباتی سیاسی) برای کشورهای $i=1,2,3,\dots,m$ در

کاسترو و ویگا^۱ نشان دادند که تأخیر در اجرای برنامه‌های تثبیت نرخ تورم مرتبط با بی‌ثباتی سیاسی بیشتر کشورها است و این نشان می‌دهد در صورت ادامه بی‌ثباتی سیاسی نرخ تورم در آینده بیشتر رشد خواهد داشت. در پژوهشی دیگر السینا و همکاران^۲ برای ۱۱۳ کشور نشان می‌دهند که در دوره سقوط دولت، مقدار تولید ناخالص داخلی کمتر از دوره‌های قبل از این واقعه است و آیسین و ویگا در مطالعه خود با روش گشتاورهای تعمیم یافته در داده‌های تابلویی نشان داده‌اند که بی‌ثباتی سیاسی اثر نامساعد بر رشد اقتصادی داشته و سبب کاهش انباشت سرمایه فیزیکی می‌شود و رشد بهره‌وری را به طور قابل توجهی کاهش می‌دهد. براساس مطالعات تجربی به این نتیجه می‌رسیم که اهمیت ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی قابل توجه است. ثبات سیاسی منجر به ایجاد ساختار مورد نظر و جذب سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی و تنظیم محیط زیست می‌گردد و در درازمدت سبب اجرای مطلوب سیاست‌های اقتصاد کلان می‌شود.

مطالعه اصغرپور و همکاران را به روزترین و جامع‌ترین مطالعه در رابطه با تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد در ایران می‌توان نامید که با استفاده از تکنیک APARCH اثر متغیر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی بر اساس دو شاخص بی‌ثباتی سیاسی رسمی و بی‌ثباتی سیاسی غیررسمی مورد آزمون قرار داده‌اند. یافته‌های تجربی این مطالعه نشان می‌دهد متغیرهای مربوط به هر دو شاخص بی‌ثباتی سیاسی مذکور تأثیر منفی بر رشد اقتصادی در ایران دارند (اصغرپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

کمیجانی و همکاران به بررسی سیکل‌های تجاری سیاسی در ایران پرداخته و می‌کوشند به نقش بی‌ثباتی سیاسی در نوسانات و سیکل‌های تجاری در قالب یک مدل خودتوضیح برداری ساختاری بپردازند. در این مقاله از تولید ناخالص داخلی به عنوان سیکل مرجع و درآمدهای نفتی به عنوان عامل محرکه اصلی استفاده شده است. نتایج به دست آمده حکایت از آن دارد که نقش طرف عرضه و سیاست مالی تقریباً همسان و در دامنه حدود ۴۰ درصد بوده و متغیرهای پولی، نرخ ارز و

3. Witt & Martin (1987)

4. Solow (1956)

5. Fielding (2000)

1. Castro & Veiga (2004)

2. Alesina et al. (1996)



صورت سرانه نشان می‌دهد. در واقع رفاه مردم یک کشور متأثر از تولید ناخالص داخلی و میزان جمعیت آن کشور است که در تولید ناخالص داخلی سرانه منعکس می‌شود.

اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی کشور، موجودی سرمایه را یکی از اساسی‌ترین متغیرهای رشد و توسعه دانسته و از اهمیت برآورد آن آگاهند. موجودی (انباره) سرمایه، موجودی وسایل تولید ساخته شده‌ای است که در هر لحظه در اختیار یک شرکت یا یک اقتصاد قرار دارد؛ بنابراین انتظار می‌رود که رابطه سرمایه فیزیکی و رشد اقتصادی مثبت باشد.

توریزم به عنوان یکی از صنایع خدماتی محسوب می‌شود، بنابراین درآمد حاصل از این صنعت بخشی از تولید ناخالص داخلی کشور میزبان محسوب شده و مستقیماً بر رشد اقتصادی آن کشور تأثیر می‌گذارد. هرچه تعداد ورود گردشگران بین‌المللی به یک کشور افزایش یابد، درآمد حاصل از آن نیز افزایش می‌یابد. از این‌رو راهکار مناسبی برای کسب درآمدهای ارزی سرشار برای کشورها و در نتیجه رشد اقتصادی بالاتر می‌باشد. برای این منظور از شاخص سرانه واقعی گردشگری در این مطالعه استفاده گردیده است.

برنت و وود^۴ به نقل از اقتصاددانان نئوکلاسیک با اشاره به امکان جانشینی میان عوامل تولید ادعا می‌کنند که پیشرفت دانش و تکنولوژی از طریق افزایش بهره‌وری در سرمایه و نیروی کار، نیاز به مصرف انرژی در فرایند تولید را کاهش خواهد داد. از این رو، فرایند رشد و تولید اقتصادی با وجود محدودیت در ذخایر انرژی امکان‌پذیر است. بنابراین، انرژی رابطه ضعیف و تفکیک‌پذیری با نیروی کار دارد و به عنوان یک عامل مؤثر و ضروری در رشد اقتصادی مطرح نمی‌گردد. در مقابل، اقتصاددانان بوم‌شناختی با بیان اینکه برای تشکیل سرمایه و نگهداری آن به مصرف مقادیر فراوان انرژی و ماده نیاز است و همچنین در مکانیزم تبدیل ماده از شکلی به شکلی دیگر انرژی به عنوان یک نهاده ضروری است؛ به اهمیت نقش انرژی در فرآیند تولید کالا اشاره دارند. آنها در ارائه نظریات خود به قوانین ترمودینامیک مبنی بر اینکه انرژی ثابت است، از بین نمی‌رود و ایجاد نمی‌شود بلکه از شکلی به شکل دیگر

زمان T $t=1,2,\dots$ ، یک بردار اسکالر (ماتریس تک‌عنصری) از پارامترهای $\beta_0, \beta_1, \dots, \beta_4$ ؛ جزء اخلاص تصادفی که $E(\varepsilon_{it}) = 0$ و $VAR(\varepsilon_{it}) = \sigma^2$ ، μ_t نیز به ترتیب نشان دهنده زمان و تأثیرات ویژه مقاطع می‌باشند.

بنابراین از مدل رشد مقاله فیلدینگ، به منظور تعیین تأثیر گردشگری، مصرف انرژی و بی‌ثباتی سیاسی بر رشد استفاده شده است. اگرچه ادبیات موضوع نشان می‌دهد که انرژی یکی از عوامل مهم برای تولید است (فدر^۱، ۱۹۸۳: ۶۲) و عوامل نهادی مانند ثبات سیاسی، پیشرفت اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اینگرام و همکاران^۲، ۲۰۱۳: ۹۷)، ولی در این پژوهش، مصرف انرژی و بی‌ثباتی سیاسی به عنوان عوامل کنترل به پیروی از مطالعه تانگ و ابوصدرا (۲۰۱۴: ۶۱)؛ به مدل رشد اضافه شده است.

$$\ln GDP_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \ln K_{i,t} + \beta_2 \ln TR_{i,t} + \beta_3 \ln EC_{i,t} + \beta_4 \ln POL_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (3)$$

$\ln GDP_{i,t}$: لگاریتم تولید ناخالص سرانه واقعی ناخالص است
 $\ln K_{i,t}$: لگاریتم سرمایه گذاری سرمایه فیزیکی کشور i در زمان t .

$\ln TR_{i,t}$: لگاریتم سرانه دریافتی‌های به‌دست آمده از گردشگران است.

$\ln EC_{i,t}$: به مقدار انرژی مصرف شده سرانه اطلاق می‌شود که در این مطالعه بر لگاریتم انرژی مصرفی سرانه بر حسب کیلوگرم بر نفت استفاده شده است.

$POL_{i,t}$: به‌طور کلی بی‌ثباتی به دو بخش بی‌ثباتی سیاسی رسمی و غیررسمی تفکیک می‌شود.

در میان شاخص‌های عملکردی اقتصاد کلان، میزان تولید ناخالص داخلی یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها است؛ چرا که این شاخص اندازه اقتصاد یک کشور و ظرفیت‌های تولیدی آن را نشان می‌دهد. البته باید توجه داشت که میزان رفاه و برخورداری مردم یک کشور، صرفاً به واسطه تولید ناخالص داخلی تعیین نمی‌شود، بلکه تولید ناخالص داخلی سرانه شاخص بهتری است که میزان تولید به وسیله هر نفر را به

1. Feder (1983)
2. Ingram et al. (2013)
3. Per capita Energy Consumption

4. Berndt & Wood

استفاده جهت تخمین مدل‌های مذکور و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز Eviews7 و Stata12 می‌باشند.

با توجه به اهمیت تعیین نوع رابطه و میزان اثرگذاری متغیرهای مدل بر رشد اقتصادی برای سیاست‌گذاری در بخش‌های مختلف کشور، در این مقاله تلاش شده با استفاده از به‌کارگیری آخرین روش‌های برآورد در داده‌های تابلویی ایرادات موجود در مطالعات قبلی را تا حد امکان رفع کرده و نتایج سازگار و قابل اعتمادی ارائه گردد.

۴- روش تحقیق

در روش تجزیه و تحلیل داده‌های تابلویی، ابتدا یک مقطع خاصی در نظر گرفته می‌شود و ویژگی‌های متغیرهای مربوط، برای تمامی N مقطع در دوره زمانی مورد نظر T بررسی می‌شود (برای بررسی مزایای استفاده از داده‌های تابلویی به حیدری و همکاران، ۱۳۸۹ مراجعه شود).

در تخمین به روش داده‌های مرکب با سه مدل روبرو هستیم: مدل اثرات ثابت^۶: این روش این امکان را می‌دهد که ویژگی انفرادی بنگاه‌ها و یا واحدهای انفرادی با یکدیگر متفاوت باشند، به این معنی که عرض از مبدأ متفاوتی برای هر گروه است.

مدل اثرات تصادفی^۷: این مدل را مدل جزء خطا نیز می‌نامند. در این مدل، خصایص فردی و زمانی به وسیله جمله خطا وارد می‌شود.

برای تصمیم‌گیری در مورد به‌کار بردن یکی از این دو روش، باید توجه کرد که اثرات ثابت معمولاً هنگامی کارایی دارد که کل جامعه آماری در نظر گرفته شود. در مدل اثرات تصادفی فرض اصلی استقلال μ_i ها از X_i است چون μ_i ها در جمله خطا قرار دارند. بر این اساس هاسمن آزمونی را جهت انتخاب بین این دو مدل ارائه می‌دهد (حیدری و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۰).

مدل داده تابلویی پویا: اکثر محققان اقتصادی به دنبال

بررسی پویایی در روابط اقتصادی هستند. مدل‌های پویا در این

تبدیل می‌شود استناد می‌کنند. آنها در پاسخ به ادعای نوکلاسیک‌ها مبنی بر امکان جانشینی میان تکنولوژی و انرژی به عنوان نهاده‌های تولید، اظهار می‌دارند با وجود بهبود بهره‌وری در نهاده‌های نیروی کار و سرمایه همچنین به‌کارگیری این دو نهاده در فرآیند تولید نیازمند صرف انرژی می‌باشد، چرا که پیشرفت دانش و تکنولوژی تنها یکی از نهاده‌های شرکت کننده در تولید در میان سایر نهاده‌های تولیدی است. بر اساس نظریه بوم شناسان، انرژی عامل محرک رشد اقتصادی بوده و سیاست‌های تحدیدکننده مصرف انرژی به عنوان عامل بازدارنده رشد اقتصادی مطرح می‌باشد (اوک ول^۱، ۲۰۰۸: ۶۰۲).

در این پژوهش به دلیل نبود اطلاعات ثابت سیاسی برای کشورهای مورد مطالعه از داده ریسک ثابت سیاسی^۲ استفاده شده است. سرمایه‌گذاران بین‌المللی هنگام اتخاذ تصمیم برای سرمایه‌گذاری در یک کشور علاوه بر معیار سودآوری به معیار امنیت سرمایه‌گذاری نیز توجه ویژه دارند. از این‌رو جهت کسب اطلاعات لازم در خصوص سطح امنیت در یک کشور از آمار و اطلاعات مؤسسات برآورد کننده ریسک استفاده می‌کنند. یکی از مؤسسات مطرح در این زمینه مؤسسه IBC است که در سال ۱۹۸۰ در نیورک تأسیس شد. این مؤسسه از سال ۱۹۸۲ مجموعه‌ای از شاخص‌های امنیت سرمایه‌گذاری را تحت عنوان (ICRG^۳) منتشر می‌کند.

ما برای این متغیر از شاخص ICRG استفاده خواهیم کرد که ریسک بین‌المللی را برای کشورها اندازه‌گیری می‌کند.

سایر اطلاعات به کار گرفته شده در پژوهش حاضر از بانک داده‌های سری زمانی کشورهای در حال گذار (CNT^۴) و بانک جهانی (WDI^۵) می‌باشد. این بانک داده‌های اطلاعاتی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، جمعیتی و اجتماعی را فراهم ساخته است. با توجه به محدودیت اطلاعات مربوط به کشورهای عضو دی هشت، بازه زمانی پژوهش از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۳ انتخاب گردیده است و نرم‌افزارهای مورد

1. Ockwell (2008)
2. Political Stability Risk
3. International Country Risk Guide
4. Cross-National Time-Series Data Archive
5. World Development Indicators

6. Fix Effect Model

7. Random Effect Model



تخمین زنده‌های GMM که به صورت مجانبی کارا هستند بر اساس مجموعه‌ای از گشتاورهای شرطی، معیار زیر را حداقل می‌کنند:

(۶)

$$LN = \left(\frac{1}{N} \sum_{i=1}^N \Delta \theta_i Z_i \right) WN \left(\frac{1}{N} \sum_{i=1}^N Z_i \Delta \theta_i \right)$$

این حداقل سازی با استفاده از ماتریس وزنی زیر انجام می‌گیرد:

(۷)

$$WN = \left[\frac{1}{N} \sum_{i=1}^N (z_i \Delta \theta_i \Delta \theta_i' z_i') \right]^{-1}$$

که در آن $\Delta \theta_i$ تخمین‌های سازگاری است از باقیمانده‌های معادله دیفرانسیل از مرتبه اول که از تخمین‌های سازگار اولیه به دست می‌آید. از این رو به عنوان تخمین زن‌های دو مرحله‌ای GMM شناخته شده است.

پس از برآورد ضرایب، لازم است اعتبار متغیرهای ابزاری از طریق آماره آزمون سارجنت بررسی شود. آماره این آزمون به صورت مجانبی دارای توزیع χ^2 با درجه آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص است. فرضیه صفر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را رد می‌کند و اعتبار متغیرهای ابزاری به کار گرفته شده را تأیید می‌کند. همچنین برای تشخیص اینکه همبستگی سریالی در جزء اخلاص وجود ندارد، آزمون عدم وجود همبستگی سریالی از مرتبه دوم، بر روی باقیمانده‌های معادله دیفرانسیل از مرتبه اول صورت می‌گیرد. این آزمون از آن جهت که سازگاری تخمین زن‌های GMM بر فرض $E[\Delta v_{it} \Delta v_{i,t-2}] = 0$ استوار است، بسیار مهم می‌باشد (همان: ۱۹۸).

۵- برآورد الگو و تجزیه و تحلیل نتایج

۵-۱- آزمون ایستایی متغیرها

فرم کلی مدل مورد استفاده در این مطالعه به صورت لگاریتمی و معادله کلی (۳) در نظر گرفته می‌شود. مزیت استفاده از لگاریتم متغیرها این است که علاوه بر انجام بهتر برآورد مدل، می‌توان نتایج حاصل را به صورت کشش تعبیر و تفسیر نمود. به گونه‌ای که ضرایب متغیرها نشان دهنده کشش آن متغیر نسبت به متغیر وابسته و یا رشد اقتصادی می‌باشد.

سری از داده‌ها، این امکان را فراهم می‌آورند که پویایی روابط از این طریق بهتر درک شود. در مدل‌های اقتصادسنجی رابطه پویایی به وسیله وارد شدن وقفه یا وقفه‌هایی از متغیر وابسته به عنوان متغیر توضیحی در مدل مشخص می‌شود (بالتاجی^۱، ۲۰۰۵: ۴۱۷). آنچه در این مدل‌ها مهم است این است که حتی اگر ضریب وقفه متغیر وابسته چندان مورد نظر و مهم نباشد، حضور این متغیر باعث خواهد شد که ضرایب سایر متغیرها به درستی برآورد شوند.

روش تخمین مورد استفاده در این پژوهش روش گشتاورهای تعمیم‌یافته است. این روش برای به دست آوردن پارامترهای سازگار، نیازمند تعداد دوره‌های زمانی زیاد نیست و برای پانل‌های با مقاطع زیاد و دوره‌های زمانی کم نیز مناسب است. از طرفی خود همبستگی محدودی در جمله خطای منجر شده از معادله تخمین زنده‌های GMM، برای برآورد مدل‌های پویای تابلویی در نظر گرفته می‌شود (آرلانو و باند^۲، ۱۹۹۱: ۲۸۹).

روش گشتاورهای تعمیم‌یافته توسط هانسن^۳، توسعه یافت که چارچوب راحتی را برای به دست آوردن تخمین زن‌هایی با کارایی مجانبی فراهم می‌سازد. تخمین زن دیفرانسیل از مرتبه اول GMM برای مدل‌های AR (1) تابلویی، توسط هولتز و همکاران^۴ و باند^۵ توسعه یافت.

در این روش اساساً از ماتریس متغیرهای ابزاری به شکل زیر استفاده می‌شود:

(۴)

$$Z_i = \begin{bmatrix} y_{i1} & 0 & 0 & \dots & 0 & 0 \\ 0 & y_{i1} & y_{i2} & \dots & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & \dots & y_{i2} & y_{i,t-2} \end{bmatrix}$$

جایی که سطرهای ماتریس فوق برابر با معادلات دیفرانسیلی از مرتبه اول برای دوره‌های $t = 3, 4, \dots, T$ و مقاطع i است.

گشتاورهای شرطی به صورت زیر استخراج می‌شوند:

$$E[Z_t \Delta \theta_i] = 0, \Delta \theta_i = (\Delta \theta_{i3}, \Delta \theta_{i4}, \dots, \Delta \theta_{iT})' \quad (۵)$$

For $i=1, 2, \dots, N$

1. Baltagi (2005)
2. Arellano & Bond (1991)
3. Hansen (1982)
4. Holtz et al. (1988)
5. Bond (1991)

هم‌انباشتگی بین متغیرهای مدل را نتیجه گرفت.

جدول (۲): آزمون هم‌انباشتگی پدرونی

آماره‌های محاسباتی	
Panel-v	۲/۵۹۰۷***
Panel-p	۳/۰۴۷۴
Panel-pp	-۹/۵۳۳۷***
Panel- ADF	-۵/۰۳۱۸***
Group-p	۶۲۸۰۰
Group-pp	-۳/۶۲۷۰***
Group-ADF	-۳/۱۴۸۴***

علائم **، *** و * به ترتیب رد فرضیه صفر در سطح معناداری ۱۰، ۵ و ۱ درصد را بیان می‌کنند.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۵-۲- آزمون معنی‌داری اثرات گروه (آزمون F لیمر)

به منظور تخمین مدل، ابتدا لازم است تا نوع روش تخمین جهت نوع خاص داده‌های ترکیبی (پانل) یا مقطعی تعیین شود. بنابراین ابتدا برای تعیین وجود (یا عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از کشورهای از آماره F استفاده شد. از سویی دیگر، در روش داده‌های تابلویی لازم است که در ابتدا همگن یا ناهمگن بودن واحدها (مقاطع یا کشورها) مورد آزمون قرار گیرد. در صورتی که مقاطع همگن باشند به سادگی می‌توان از روش حداقل مربعات تجمیع شده^۱ استفاده کرد. در غیر این صورت استفاده از روش اثرات ثابت ضرورت دارد. به عبارت دیگر لازم است که معنی‌داری اثرات ثابت با استفاده از آماره F انجام شود (محمدزاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

با توجه به اینکه میزان آماره F لیمر محاسبه شده برابر با ۱۰۲۷/۳۰۸ به دست آمده و از آماره F جدول بزرگ‌تر بود، لذا با سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد، فرضیه عدم مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد می‌شود و در نتیجه رگرسیون مقید (روش حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نمی‌باشد و باید عرض از مبدأهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) را در مدل لحاظ کرده و در نتیجه از روش داده‌های تابلویی استفاده نمود.

اولین قدم در برآورد الگوی مورد نظر، بررسی ایستایی متغیرهاست. این آزمون بر اساس یکی از آزمون‌های مطرح شده در خصوص داده‌های تابلویی صورت گرفته است. نتایج حاصل از آزمون ایستایی متغیرها بر اساس آزمون لوین-لین و چاو (LLC) و ایم، پسران و شین (IPS) در جدول (۱) مشاهده می‌شود.

جدول (۱): نتایج حاصل از بررسی ایستایی متغیرها

نتایج حاصل از بررسی ایستایی متغیرها با استفاده از آزمون لوین-لین و چاو		
متغیر	سطح	تفاضل مرتبه اول
$\ln GDP_{i,t}$	-۷/۰۲۶۵***	-۸/۹۵۰۸***
$\ln K_{i,t}$	-۴/۴۱۳۰***	-۴/۹۷۲۷***
$TR_{i,t}$	-۱۱/۳۰۱۵***	-۹/۸۵۱۷***
$EC_{i,t}$	-۷/۱۳۳۰***	-۴/۴۹۶۵***
$POL_{i,t}$	-۵/۱۰۰۵***	-۰۳/۳۰۹۱***
نتایج حاصل از بررسی ایستایی متغیرها با استفاده از آزمون ایم، پسران و شین		
متغیر	آماره	احتمال
$\ln GDP_{i,t}$	-۰/۰۱۰۸۴	-۴/۱۳۰۶۸***
$\ln K_{i,t}$	۰/۳۰۳۳۰	-۳/۵۹۸۲***
$TR_{i,t}$	-۳/۳۴۵۰۶***	-۳/۹۵۸۵***
$EC_{i,t}$	-۴/۷۴۰۶***	-۳/۹۸۴۵***
$POL_{i,t}$	-۰/۱۲۰۶	-۱/۷۶۵۸**

علائم **، *** و * به ترتیب رد فرضیه صفر در سطح معناداری ۱۰، ۵ و ۱ درصد را بیان می‌کنند.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول (۱) و بر اساس اختلاف نتیجه میان آزمون لوین-لین و چاو و آزمون ایم، پسران و شین هم‌انباشتگی بین متغیرهای وابسته و متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این منظور از آزمون هم‌انباشتگی پدرونی استفاده شد. نتایج آزمون هم‌انباشتگی پدرونی مبتنی بر هفت آماره می‌باشد که در جدول (۲) گزارش شده‌اند.

نتایج نشان می‌دهند که برای اکثر آماره‌های آزمون پدرونی، فرضیه صفر که عدم وجود ارتباط بلندمدت میان متغیرهای مدل است، به لحاظ آماری در سطح معناداری ۱ و ۵ درصد رد می‌شود و می‌توان از نتایج به دست آمده وجود رابطه



بی‌ثباتی سیاسی باعث کاهش رشد در کشورها می‌شود.

جدول (۳): نتایج تخمین مدل

نتایج تخمین مدل دیفرانسیلی GMM		نتایج تخمین مدل سیستمی GMM	
متغیرهای توضیحی	ضرایب	متغیرهای توضیحی	ضرایب
$\ln K_{i,t}$	۰/۱۳۵۹***	$\ln K_{i,t}$	۰/۳۳۵۲۷***
$\ln TR_{i,t}$	۰/۰۳۴۳۶***	$\ln TR_{i,t}$	۰/۰۰۹۹۷۲۸*
$\ln EC_{i,t}$	۰/۱۹۸۴۳***	$\ln EC_{i,t}$	۰/۳۶۸۹۶***
$\ln POL_{i,t}$	-۰/۱۲۸۶۵***	$\ln POL_{i,t}$	-۰/۲۹۷۳۴***
عرض از مبدأ	۵/۶۹۷۱۳***		

علائم **، *** و * به ترتیب رد فرضیه صفر در سطح معناداری ۱۰، ۵ و ۱ درصد را بیان می‌کند.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به اینکه متغیرها در این مدل به صورت لگاریتمی وارد شده‌اند، ضرایب آنها بیانگر کشش می‌باشد. در مدل دیفرانسیلی GMM ضریب مثبت مصرف انرژی نشان دهنده این موضوع است که با تغییر ۱ درصد از مصرف انرژی، رشد اقتصادی به اندازه ۱۹/۸ درصد افزایش می‌یابد. در مدل سیستمی تخمین زده شده نیز علامت مورد انتظار برای متغیرها به دست آمده است به صورتی که نشان می‌دهد با تغییر ۱ درصدی مصرف انرژی، افزایش ۳۶/۸ درصدی رشد را در پی خواهیم داشت. به لحاظ نظری، انرژی به عنوان یکی از عوامل تولید به طور مستقیم بر رشد اقتصادی تأثیرگذار می‌باشد. اما افزایش تولید و مصرف انرژی داخلی تنها به بهای کاهش تولید در سایر بخش‌ها امکان‌پذیر خواهد بود. لذا در یک الگوی دو بخشی، اثر افزایش مصرف انرژی بر رشد اقتصادی از برآیند آثار مستقیم مثبت (به عنوان یک نهاده تولید) و آثار غیرمستقیم منفی (به صورت کاهش تولید بخش غیرانرژی) حاصل می‌گردد. آثار غیرمستقیم به ویژه برای کشورهای صادرکننده نفت چشم‌گیرتر است. زیرا افزایش مصرف انرژی داخلی در یک کشور وابسته به نفت، منجر به کاهش صادرات نفت و در نتیجه درآمدهای ارزی کمتر می‌شود. با توجه به وابستگی این کشورها به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، کاهش درآمدهای ارزی حاصله می‌تواند به کندی

برای تصمیم‌گیری در مورد به کارگیری روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. این آزمون در حقیقت، آزمون ناهمبسته بودن اثرات انفرادی متغیرهای توضیحی است که طبق آن برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته، تحت فرضیه H_0 ، سازگار و تحت فرضیه H_1 ناسازگار است. به عبارت دیگر با استفاده از روش اثرات تصادفی که در آن از تخمین زنده‌های حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده می‌شود، فرضیه H_0 ، سازگاری ضرایب را نشان می‌دهد، در حالی که فرضیه H_1 مبتنی بر رد این سازگاری است. اگر با انجام آزمون هاسمن فرضیه H_0 رد نشود، روش مورد استفاده برای تخمین، روش اثرات تصادفی خواهد بود (بالتاجی، ۲۰۰۱: ۴۳۲). عدد آزمون هاسمن ۱۳/۵ و با احتمال ۰/۰۱۹۱ می‌باشد که نشان از تأیید روش حداقل مربعات تعمیم یافته دارد. با توجه به اینکه هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیرگذاری گردشگری، مصرف انرژی و بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو گروه دی هشت است، برای به دست آوردن نتیجه مستندتر با استفاده از هر دو روش تخمین مدل دیفرانسیلی و سیستمی پنل GMM به بررسی تأثیر متغیرهای مورد نظر می‌پردازیم.

۳-۵- برآورد مدل با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته

جدول شماره (۳) نتایج حاصل از تخمین مدل دیفرانسیلی و سیستمی Panel-GMM را برای گروه کشورهای دی هشت گزارش می‌دهد.

نتایج حاصل از تخمین مدل دیفرانسیلی و سیستمی Panel-GMM نشان می‌دهد که مصرف انرژی بیشترین اثر را بر روی رشد اقتصادی دوره مورد مطالعه داشته است. بدین معنی که کشورهایی که مصرف انرژی بیشتری داشته‌اند و سیاست‌های افزایش بهره‌وری را به خوبی اجرا کرده‌اند، رشد بالاتری را در دوره حاضر تجربه می‌کنند. دلیل تفاوت مقادیر به دست آمده برای ضرایب نیز، استفاده از متغیرهای ابزاری متفاوت در دو روش تخمینی یعنی مدل دیفرانسیلی GMM و مدل سیستمی GMM است. ضرایب سرمایه و گردشگری نیز تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورها داشته اما مطابق انتظار

اقتصادی می‌شود که مطابق با نتایج کامپوس و همکاران^۳ (۲۰۱۲):
(۳۰۲)، خان و عمر^۴ (۲۰۱۱: ۵۴۷) و اصغرپور و همکاران
(۱۳۹۲: ۱۹۱) است.

نتایج حاصل از تخمین مدل دیفرانسیلی و سیستمی - Panel
GMM در مورد متغیر سرمایه فیزیکی مثبت و معنی دار است.
بر طبق برآورد دیفرانسیلی، ادرصد افزایش در سرمایه فیزیکی
باعث ۱۳/۵ درصد افزایش در رشد اقتصادی شده و بر اساس
برآورد سیستمی، ادرصد افزایش در سرمایه فیزیکی باعث ۳۳/۵
درصد افزایش در رشد اقتصادی می‌شود که مطابق با نتایج
لوکاس^۵ (۱۹۹۸: ۴۰)، بارو (۱۹۹۱: ۴۴۱) و نیز یاوری و
همکاران (۱۳۸۹: ۲۴۱) است.

جدول (۴): نتایج آزمون‌های تشخیصی مدل

نتایج برای مدل دیفرانسیلی GMM		نتایج برای مدل سیستمی GMM	
آماره‌ها	ضرایب	آماره‌ها	ضرایب
والد	۱۱۲۴/۲۶ (۰/۰۰)	والد	۱۸۵۹/۷۳ (۰/۰۰)
سارگان	۱۴/۸۶۵۶ (۱/۰۰)	سارگان	۱۰/۳۷۲۶ (۱/۰۰)
AR(1)	(۰/۳۲۱) -۱/۰۶۹۷۸	AR(1)	(۰/۳۰۱) -۱/۰۱۷۲۲
AR(2)	(۰/۳۵۴۳) -۰/۹۸۳۶۱	AR(2)	(۰/۳۲۹۳) -۰/۹۷۵۵۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جدول (۴) هم آزمون‌های تشخیصی دو مدل آورده شده
که نتایج آزمون والد، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن تمام
ضرایب در سطح معناداری ۱ درصد در هر دو مدل تخمینی رد
شده و در نتیجه اعتبار ضرایب برآوردی تأیید می‌شود. آماره‌های
آزمون سارگان نیز فرضیه صفر مبنی بر عدم همبسته بودن
پسماندها با متغیرهای ایزاری را رد نمی‌کند. در نتیجه اعتبار نتایج
جهت تفسیر تأیید می‌شود. آماره‌های به دست آمده برای
AR(1) و AR(2) عدم وجود همبستگی سریالی بر روی
باقیمانده‌های مدل را نشان می‌دهند.

رشد اقتصادی آنها بیانجامد اما نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که
سیاست‌های کاهش رشد مصرف انرژی اثرات نگران کننده‌ای بر
رشد اقتصادی کشورهای عضو خواهد داشت.

به لحاظ اقتصادی درآمد حاصل از جهانگردی خارجی برای
هر کشوری در حکم صادرات محسوب می‌شود. بنابراین دامنه
اثر گردشگری بسیار وسیع می‌باشد. زیرا با ورود ارز به کشور از
طریق ضرب تکاثری، موجب تحرک اقتصادی می‌شود، در
نتیجه گردشگری به عنوان یک منبع درآمدزا می‌باشد که از طریق
ارز خارجی، افزایش درآمد، ایجاد اشتغال، تعادل در تراز
پرداخت‌ها و توسعه زیرساخت‌ها منجر به رشد اقتصادی
می‌شود. بنابراین توسعه گردشگری در کشورهای عضو دی
هشت که دارای پتانسیل فراوانی در این زمینه می‌باشند بسیار
حیاتی می‌نماید. بر طبق برآورد دیفرانسیلی ۱ درصد تغییر در
گردشگری، باعث ۳ درصد تغییر در رشد و بر اساس برآورد
سیستمی باعث ۱ درصد تغییر در رشد اقتصادی می‌شود که
مطابق با نتایج بالاقرور و همکاران^۱ (۲۰۰۲: ۸۸۲)، فیسا و
همکاران^۲ (۲۰۰۹: ۳۳) و یاوری و همکاران (۱۳۸۹: ۲۴۱) است.
بررسی رابطه پیچیده و تنگاتنگ ساختار سیاسی با ساختار
اقتصادی همواره در کانون توجه پژوهشگران این عرصه بوده
است. تجربیات دنیای واقع و مطالعات انجام شده در این حوزه
بیش از آنکه یک ساختار اقتصادی خاصی را برای دستیابی به
بهترین رشد اقتصادی تجویز کند این موضوع را مطرح می‌کند که
نظام سیاسی فارغ از نوع و ماهیت آن به شدت نیازمند آرامش
سیاسی است. ایجاد ثبات سیاسی در داخل کشور و جلب اعتماد
همگانی نسبت به دولت در چارچوب قوانین کشور یک
ضرورت جدی است تا به این ترتیب بتوان با برقراری آرامش
ضمن کاهش فشارهای ناشی از تحریم‌های اقتصادی زمینه برای
تبدیل تهدید به فرصت فراهم شود. در برآورد الگوی
دیفرانسیلی، ادرصد افزایش (کاهش) در بی‌ثباتی سیاسی، باعث
۱۲/۸ درصد کاهش (افزایش) در رشد اقتصادی می‌شود.
همچنین، بر اساس برآورد سیستمی، ادرصد افزایش (کاهش)
در بی‌ثباتی سیاسی، باعث ۲۹/۷ درصد کاهش (افزایش) در رشد

3. Campos et al. (2012)
4. Khan & Omar (2011)
5. Lucas (1998)

1. Balaguer et al. (2002)
2. Fayissa et al. (2009)



۶- بحث و نتیجه‌گیری

عملکرد کلی اقتصادی گروه کشورهای عضو دی-هشت برای بیش از ۲ دهه گذشته با توجه به پتانسیل‌ها و منابع طبیعی موجود، نسبت به سایر مناطق ضعیف و ناامید کننده است. در این مقاله مدل رشدی برای این کشورها برآورد کردیم که برخلاف مطالعات قبلی، به غیر از مصرف انرژی و گردشگری و سرمایه، شاخص بی‌ثباتی سیاسی به عنوان متغیر کنترل نیز برای توضیح رفتار رشد اقتصادی منطقه در مدل گنجانده شده است. نتایج ما نظریه رشد گردشگری باعث رشد اقتصادی می‌شود و فرضیه رشد باعث مصرف انرژی را در این مجموعه از کشورها تأیید می‌کند. با این حال نتایج مؤید این نکته است که رشد اقتصادی این کشورها بیشتر تحت تأثیر مصرف انرژی است تا سرمایه و گردشگری. علاوه بر این نتایج تجربی نشان می‌دهد که بی‌ثباتی سیاسی در این کشورها رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. بنابراین عملکرد اقتصادی ضعیف این مجموعه کشورها در دو دهه گذشته را می‌توان ناشی از شرایط ناپایدار سیاسی در منطقه ارزیابی کرد. شرایط سیاسی عمده کشورهای مورد مطالعه حتی یک درجه بیشتر از بی‌ثباتی سیاسی و در حد تکه تکه شدن سیستم‌های سیاسی و آزادی کم اقتصادی در مقایسه با سایر مناطق جهان است (ماک دیسی و همکاران^۱، ۲۰۰۷: ۱۵).

با توجه به نتایج گزارش شده، می‌توانیم چهار سیاست به شرح زیر ارائه نماییم:

اول، چند مرحله سیاست‌گذاری مستمر به منظور افزایش سهم بخش گردشگری از رشد اقتصادی منطقه باید انجام شود. این مراحل عبارتند از: طرح‌های سیاستی برای ترویج گردشگری در منطقه، هماهنگی و تلاش برای افزایش گردشگران و توانمندی برای جذب گردشگران برای دیدار از چند کشور که در اولویت گردشگری قرار دارند، اجازه دادن به گردشگران بین‌المللی برای سفر به درون منطقه بدون نیاز به ویزای کشور به کشور. واضح است اجرای این اهداف نیاز به آزادسازی بیشتر، ادغام و ایجاد شرایط خاص برای گردشگران جهت ورود به منطقه دارد.

دوم، به منظور ترویج یکپارچگی بیشتر میان کشورهای مورد بررسی نیاز به توسعه نهادی و ادغام چارچوب‌های اقتصادی است. در این راستا نیاز به اصلاحات ساختاری مؤثر در زمینه‌هایی از قبیل آب و هوا، کسب و کار و سیاست‌های تجاری و حکومتی باید شتاب گیرد. هدف از این تلاش‌ها هماهنگی قوانین و مقررات مورد استفاده توسط کشورهای این منطقه است. علاوه بر این، هماهنگی میان نهادهای موجود در کشورهای این منطقه برای تمرکز بر مسائل مربوط به اداره امور شرکت‌ها با هدف توسعه فعالیت شرکت‌های خارجی و کاهش هزینه‌های معاملات صورت می‌گیرد. حتی سازگاری فعالیت‌های منطقه با سایر نقاط جهان در مسئله محیط زیست هم می‌تواند سیاستی مهم در جهت هماهنگی قوانین و سیاست‌ها تلقی گردد.

سوم، کشورهای مورد بررسی که در منطقه خاورمیانه قرار دارند، نیاز به اقداماتی برای بهبود حکومت، از جمله گام‌هایی برای بهبود خدمات عمومی و کیفیت این خدمات و مبارزه با فساد اداری و بهبود حقوق مالکان دارند. این مورد امکان همکاری ضروری منطقه‌ای را آسان‌تر می‌کند. تلاش برای این زمینه باید در مقیاس بزرگ‌تر برای امکان ایجاد کسب و کار و سرمایه‌گذاری برای آینده صورت گیرد.

چهارم، با توجه به اینکه افزایش سطح درآمد در کشور و یا منطقه شانس ایجاد دموکراسی پایدار را افزایش می‌دهد (لیپست^۲، ۱۹۵۹: ۱۰۳)، دولت‌های منطقه خاورمیانه باید اقداماتی برای تشویق ایجاد و یا افزایش ثبات سیاسی در منطقه انجام دهند. این امر منجر به جذب بیشتر گردشگران بین‌المللی شده که به نوبه خود منجر به رشد اقتصادی منطقه می‌شوند. بدیهی است این رشد می‌تواند با تشکیل سرمایه بیشتر و مصرف انرژی بر طبق نتایج ما صورت پذیرد. علاوه بر این، هماهنگی بین تولیدکنندگان و مصرف کنندگان نفت گروه، با برجسته سازی اهمیت همکاری بلندمدت باید تقویت گردد. دلیل این امر این است که در کشورهای در حال توسعه اصلاح و بهبود ارتباط بین بازارهای موجود در منطقه موجب افزایش سرعت رشد اقتصادی بلندمدت در منطقه می‌شود.

منابع

- اربابیان، شیرین؛ رفعت، بتول و اشرفیان‌پور، مریم (۱۳۹۲). بررسی رابطه توریسم بین‌الملل و رشد اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی). *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال چهارم، شماره ۱۳، ۹۷-۱۱۶.
- اصغرپور، حسین؛ احمدیان، کسری و منیعی، امید (۱۳۹۲). بررسی اثر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی در ایران: (رهیافت غیرخطی APARCH). *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۲۱، شماره ۶۸، ۱۹۴-۱۷۵.
- آماده، حمید؛ شاکری، عباس و محمدیان، فرشته (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین اندازه دولت و کیفیت محیط زیست (مطالعه موردی کشورهای OECD و OIC). *مطالعات اقتصادی کاربردی*، دوره ۱، شماره ۲، ۵۹-۲۷.
- بابایی‌سمیرمی، محمدرضا؛ نظیفی‌نایینی، مینو و عباسپور، سحر (۱۳۹۳). ارتباط صنعت توریسم و توسعه اقتصادی در ایران با رویکرد شبکه عصبی (۱۳۹۰-۱۳۵۹). *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۳۰-۱۱۳.
- جعفری‌صمیمی، احمد و خبره، شیما (۱۳۹۲). اثر گردشگری بر توسعه انسانی. *مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*. سال دوم، شماره ۷، ۲۴-۱۱.
- حسن‌شاهی، حسین؛ حسن‌شاهی، مرتضی؛ نونژاد، مسعود و رحیمی، محسن (۱۳۹۰). رابطه علیت گرنجری بین مصرف انرژی، گردشگری و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی. *اولین همایش بین‌المللی مدیریت گردشگری و توسعه پایدار*. دانشگاه آزاد واحد مرودشت.
- حیدری، حسن؛ پروین، سهیلا و فاضلی، محمد (۱۳۸۹). رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک حاشیه خلیج فارس. *فصلنامه اقتصاد مقداری (فصلنامه بررسی‌های اقتصادی)*، دوره ۷، شماره ۳، ۶۶-۴۳.
- داس ویل، راجر (۱۳۸۴). مدیریت جهانگردی: مبانی، راهبردها و آثار. ترجمه دکتر سید محمد اعرابی و داود ایزدی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رنج‌پور، رضا؛ کریمی‌تکانلو، زهرا و نجفی‌نسب، میرحجت (۱۳۹۳). بررسی فرضیه "توریسم منجر به رشد" در ایران طی دوره ۱۳۸۸-۱۳۴۷. *فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی*، جلد ۱، شماره ۳، ۱۳۴-۱۱۵.
- زارعی نمین، علی (۱۳۸۸). بررسی اثرات توسعه بخش توریسم بر رشد اقتصادی کشورهای دی هشت. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه تربیت مدرس، گروه علوم انسانی.
- ضیائی، محمود و میرزایی، روزبه (۱۳۸۶). کتاب واژگان تخصصی فراغت، گردشگری و هتلداری. تهران: انتشارات ترمه.
- فاضلی ویسری، سمیرا؛ دودایی‌نژاد، امیر و سجادی، سیدحسین (۱۳۹۲). تحلیل رابطه بین رشد اقتصادی و مصرف برق در ایران. *نخستین کنفرانس ملی انجمن انرژی ایران*، پژوهشگاه نیرو، ۲۶ و ۲۷ مهرماه ۱۳۹۲.
- کمیجانی، اکبر؛ گرجی‌بندپی، ابراهیم و اقبالی، علیرضا (۱۳۹۲). اقتصاد سیاسی رشد اقتصادی. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۶۵، ۸۲-۶۱.
- کمیجانی، اکبر؛ گرجی‌بندپی، ابراهیم و اقبالی، علیرضا (۱۳۹۳). برآورد مدل جدیدی از سیکل‌های تجاری سیاسی: مورد مطالعه ایران. *فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی*، دوره ۱۸، شماره ۷۱، ۳۴-۱.
- محمدزاده، پرویز؛ بهبودی، داوود؛ فشاری، مجید و ممی‌پور، سیاب (۱۳۸۹). تخمین تابع تقاضای خارجی کل گردشگری ایران رهیافت (TVP). *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال اول، شماره ۱، ۱۳۲-۱۰۷.
- مهرآرا، محسن و زارعی، محمد (۱۳۹۰). اثرات غیرخطی مصرف انرژی بر رشد اقتصادی مبتنی بر رویکرد حد آستانه‌ای. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال دوم، شماره ۵، ۴۴-۱۱.



- مصطفوی، سید محمدحسن (۱۳۸۹). تأثیر مخارج توریسم بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC). *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۹۱، ۲۴۴-۲۲۱.
- Aisen, A., & Veiga, F. J. (2008). Political Instability and Inflation Volatility. *Public Choice*, 135(3-4), 207-223.
- Aisen, A., & Veiga, F. J. (2013). How Does Political Instability Affect Economic Growth?. *IMF Working Paper*.
- Akinboade, O., & Braimoh, L. A. (2010). International Tourism and Economic Development in South Africa: A Granger Causality test. *International Journal of Tourism Research*, 12(2), 149-163.
- Alesina, A., & Drazen, A. (1991). Why Are Stabilizations Delayed?. *The American Economic Review*, 81(5), 1170-1188.
- Alesina, A., & Perotti, R. (1996). Income Distribution, Political Instability, and Investment. *European Economic Review*, 40(6), 1203-1228.
- Alesina, A., Ozler, S., Roubini, N., & Swagel, P. (1996). Political Instability and Economic Growth. *Journal of Economic Growth*, 1(2), 189-211.
- Al-mulali, U. (2011). Oil Consumption, CO₂ Emission and Economic Growth in MENA Countries. *Energy Policy*, 36(10), 6165-6171.
- Apergis, N., & Tang, C. F. (2013). Is the Energy-led Growth Hypothesis Valid? New Evidence from a Sample of 85 Countries. *Energy Economics*, 38, 24-31.
- Arellano, M., & Bond, S. (1991). Some Test of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations. *Review of Economic Studies*, 58, 277-297
- Balaguer, J., & Cantavella-Jorda, M. (2002). Tourism as a Long-Run Economic Growth Factor: The Spanish Case. *Applied Economics*, 34(7), 877-884.
- Baltagi, B. H. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data*. John Wiley & Sons Inc, New York, USA.
- Barro, R. (1991). Economic Growth in a Cross Section of Countries. *Quarterly Journal of Economics*, 106(12), 407-443.
- Bell, S. C., Malinska, J., McConaghy, P., & Rowais, S. A. (2012). Tourism in MENA: A Strategy to Promote Recovery, Economic Diversification and Job Creation. *MENA Knowledge Learn*, 78, 1-14.
- Belloumi, M. (2010). The Relationship between Tourism Receipts, Real Effective Exchange Rate and Economic Growth in Tunisia. *International Journal of Tourism Research*, 12(5), 550-560.
- Berndt, E. R., & Wood, D. O. (2000). Technology, Prices and the Derived Demand for Energy. *Review of Economics and Statistics*, 57, 259-268.
- Bride, J. G. & Zapata, S. (2010). Cruise Tourism: Economic, Socio-Cultural and Environmental Impacts. *International Journal of Leisure and Tourism Marketing*, 1(3), 205-226.
- Campos, N. F., & Nugent, J. B. (2002). Who is Afraid of Political Instability? *Journal of Development Economics*, 67(1), 157-172.
- Campos, N. F., Karanasos, M. G., & T. Tan (2012). Two to Tangle: Financial Development, Political Instability and Economic Growth in Argentina. *Journal of Banking & Finance*, 36(1), 290-304.
- Castro, V., & Veiga, F. J. (2004). Political Business Cycles and Inflation Stabilization. *Economics Letters*, 83(1), 1-6.
- Fayissa, B., Nsiah, C., & Tadasse, B. (2009). The Impact of Tourism on Economic Growth and Development in Africa. Middle Tennessee State University, Department of Economics and Finance, *Working Papers*, 16, 12-36.
- Feder, G. (1983). On Exports and Economic Growth. *Journal of Development Economics Elsevier*, 12(1-2), 59-73.
- Fielding, D. (2000). Can Political Instability Generate Business Cycles? Evidence from the Intifada. Department of Economic, University of Leicester, *Working Paper*. www.le.ac.uk/
- Fletcher, Fuinhas, J. A., & Marques, A. C. (2011). Energy Consumption and Economic Growth

- Nexus in Portugal, Italy, Greece, Spain and Turkey: An ARDL Bounds Test Approach (1965–2009). *Energy Economics*, 34(2), 511–517.
- Gökovali, U., & Bahar, O. (2006). Contribution of Tourism to Economic Growth: A Panel Data Approach. *Anatolia. An International Journal of Tourism and Hospitality Research*, 17(2), 155–167.
- Gunduz, L., & Hatemi-J, A. (2005). Is the Tourism-Led Growth Hypothesis Valid for Turkey?. *Applied Economics Letters*, 12(8), 499–504.
- Holtz-Eakin, D. Newey, D. & Rosen, H. (1988). Estimating Vector Autoregressions with Panel Data. *Econometrica*, 56(6), 1371–1395.
- Huang, B. N., Hwang, M. J., & Yang, C. W. (2008). Causal Relationship between Energy Consumption and GDP Growth Revisited: a Dynamic Panel Data Approach. *Ecological Economic*, 67(1), 41–54.
- Im, K.S., Pesaran, M. H., & Shin, Y. (2003). Testing for Unit Roots in Heterogeneous Panels. *Journal of Econometrics*, 115(1), 53–74.
- Ingram, H., Tabari, S., & Watthan akhomprathip, W. (2013). The Impact of Political Instability on Tourism: Case of Thailand. *World Wide Hospitality Tourism Themes*, 5(1), 92–103.
- Kaplan, M., Çelik, T. (2008). The Impact of Tourism on Economic Performance: The Case of Turkey. *The International Journal of Applied Economic & Finance*, 2(1), 13–18.
- Katircioğlu, S. T. (2009). Revisiting the Tourism – Led- Growth Hypothesis for Turkey Using the Bounds Test and Johansen Approach for Cointegration. *Tourism Management*. 30(1), 17–20.
- Khan, S., & Omar, S. (2011). Political Instability and Inflation in Pakistan. *Journal of Asian Economics*, 22(6), 540–549.
- Lean, H. H., & Tang, C. F. (2010). Is The Tourism-Led Growth Hypothesis Stable for Malaysia? *International Journal of Tourism Research*, 12(4), 375–378.
- Levin, A., Lin, C. F., & Chu, C. (2002). Unit Root Tests in Panel Data: Asymptotic and Finite-Sample Properties. *Journal of Econometrics*, 108, 1–24.
- Lipset, S. M. (1959), Some Social Requisites of Democracy. *The American Political Science Review*, 53(1), 69–105.
- Lucas, R. E. (1998). On the Mechanics of Economic Growth. *Journal of Monetary Economics*, 22, 3–42.
- Makdisi, S. Z., & Fattah, I. L. (2003). Determinants of Growth in the MENA Countries. Arab Planning Institute Working Paper 0301, Safat, State of Kuwait.
- Makdisi, S., Fattah, Z., & Limam, I. (2007). Determinants of Growth in the MENA Countries. http://www.arabapi.org/images/publication/pdfs/258/258_wps0301.pdf. Or Elsevier
- Modeste, N. C. (1995). The Impact of Growth in the Tourism Sector on Economic Development: The Experience of Selected Caribbean Countries. *Economia International*, 48(3), 375–384.
- Morakabati, Y. (2008). Tourism Activity, Terrorism and Political Instability in the Common Wealth: the Case of Fiji and Kenya. *International Journal of Tourism Research*, 10, 537–556.
- Narayan, P. K., & Smyth, R. (2008). Energy Consumption and Real GDP in G7 Countries: New Evidence from Panel Cointegration with Structural Breaks. *Energy Economic*, 30(5), 2331–2341.
- Nugent, N. F. (2002). Who is Afraid of Political Instability? *Journal of Development Economics*, 67(1), 157–172.
- Ockwell, D. G. (2008). Energy and Economic Growth: Grounding our Understanding in Physical Reality. *Energy Policy*, 36, 4600–4604.
- Payne, J., & Mervar, A. (2010). Research Note: The Tourism- Growth Nexus in Croatia. *Tourism Economics*, 16(4), 1089–1094.
- Sbia, R., Shahbaz, M., & Hamdi, H. (2014). A Contribution of Foreign Direct Investment, Clean Energy, Trade Openness, Carbon Emissions and Economic Growth to Energy Demand in UAE. *Economic Modelling*, 36, 191–197.
- Shahbaz, M., & Feridun, M. (2012). Electricity Consumption and Economic Growth. Empirical Evidence from Pakistan. *Quality and Quantity*, 46(5), 1583–1599.
- Shahbaz, M., & Leitão, N. C. (2013). Portuguese Carbon Dioxide Emissions and Economic Growth: a time series Analysis. *Bulletin Energy Economic*, 1(1), 1–7.



- Shahbaz, M., Tang, C. F., & Shahbaz Shabbir, M. (2011). Electricity Consumption and Economic Growth Nexus in Portugal Using Cointegration and Causality Approaches. *Energy Policy*, 39(6), 3529–3536.
- Solow, R. (1956). A Contribution to the Theory of Economic Growth. *Quarterly Journal of Economics*, 70, 100-125.
- Soytas, U., & Sari, R. (2009). Energy Consumption, Economic Growth, and Carbon Emissions: Challenges Faced by an EU Candidate Member. *Ecological Economics*, 68(6), 1667–1675.
- Stern, D. I. (2011). The Role of Energy in Economic Growth. CCEP Working Papers from Centre for Climate Economics & Policy, Crawford School of Public Policy, The Australian National University.
- Tang, C. F., & Abosedra, F (2014). The Impacts of Tourism, Energy Consumption and Political Instability on Economic Growth in the MENA Countries. *Energy Policy*, 68, 458–464.
- Tang, C. F. (2008). A Re-Examination of the Relationship between Electricity Consumption and Economic Growth in Malaysia. *Energy Policy*, 36(8), 3077–3085.
- Tang, C. F. (2009). Electricity Consumption, Income, Foreign Direct Investment, and Population in Malaysia: New Evidence from Multivariate Frame work Analysis. *Journal of Economic Studies*, 36(4), 371–382.
- Tang, C. F. (2013). Temporal Granger Causality and the Dynamics Relationship between Real Tourism Receipts, Real Income and Real Exchange Rates in Malaysia. *International Journal of Tourism. Research*, 15(3). 272–284.
- Tang, C. F., & Abosedra, S. (2012). Small Sample Evidence on the Tourism-led Growth Hypothesis in Lebanon Tourism. <http://dx.doi.org/10.1080/13683500.2012.732044>.
- Tang, C. F., & Apergis, N. (2013). Sectoral Analysis of the Causal Relationship between Electricity Consumption and Real Output in Pakistan. *Energy Policy*, 60, 885–891.
- Tang, C. F., & Tan, E. C. (2012). Electricity Consumption and Economic Growth in Portugal: Evidence from a Multivariate Frame work an Analysis. *The Energy. Journal*, 33(4), 23–48.
- Tang, C. F., & Tan, E. C. (2013). How Stable is the Tourism-Led Growth Hypothesis in Malaysia? Evidence from disaggregated Tourism Markets. *Tourism Management*, 37, 52–57.
- Tang, C. F., & Tan, E.C. (2013). Exploring the Nexus of Electricity Consumption, Economic Growth, Energy Prices and Technology Innovation in Malaysia. *Applied Energy*, 104, 297–305.
- U. S. Energy Information Administration (2013), <http://www.eia.gov/>
- Witt, S. F., & Martin, C. A. (1987). Econometric Models for Forecasting International Tourism Demand. *Journal of Travel Research*, 25, 23-30.